

بوسه

دلت شاد بادا که در شام عید
تن خسته با بوسه ای شاد شد
چو لب بر لبان تو بگذاشتم
دل از حسرت و رنج آزاد شد

چه می شد اگر هر شبی عید بود
و با من ، ترا سرگرانی نبود
لبم بر لبت بود تا صبحگاه
ز نامهربانی نشانی نبود !

رضا شاپوریان

چهارشنبه ۱۸ مارچ ۱۹۹۸